

سومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

کمونیستی کارگری برای خنثی کردن اثرات این روند ارجاعی از هر زمان بیشتر است. سپس تحرک گستره سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی رادیکال در صحنه سیاست ایران و کردستان را بررسی کرد و اشاره کرد این جنبش رادیکال مبنی قدرتمندی ما برای سازمان دادن تعریضی همه جانبه سیاسی و عملی علیه هژمونی طلبی آمریکا در منطقه و ارجاع ناسیونالیستی و اسلامی در این اوضاع است. خطوط عده نقشه فعالیت دوره آتشی تشکیلات کردستان به نشست ارائه شد.

صفحه ۳

تحولات منطقه و پیامدهای ناشی از جنگ آمریکا و به نقش و جایگاه تشکیلات کردستان و مصافهایی که پیشوار دارد، اشاره کرد. در مبحث "سیر تحولات یکسال گذشته و موقعیت حزب در کردستان و چشم‌انداز آتشی کار" رحمان حسین زاده به پیامدهای جنگ آمریکا در عراق و تاثیرات آن در ایران و کردستان پرداخت. وی بر این موضوع تاکید کرد که ارجاع و ناسیونالیسم در ایران و ناسیونالیسم کردستان حسین زاده دیر کمیته کردستان حزب میشورند و تیجتاً ضرورت به میدان آمدن صفت آزادیخواهانه و جنبش

در روزهای شنبه و یکشنبه (ییستم و بیست و یکم اردیبهشت ۱۳۸۲) سومین نشست سالانه شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با حضور ۱۵۰ نفر از اعضا شورا و ناظرین و مهمانان برگزار شد. نشست با سرود انترباسیونال و یکنیقیه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و کمونیسم و یاد عزیز منصور حکمت رسیت یافت. سپس هیئت رئیسه نشست تعیین شد. نشست سوم شورای کادرها با سخنرانی افتتاحیه رحمان حسین زاده دیر کمیته کردستان حزب میشورند و تیجتاً ضرورت به میدان آمدن صفت آزادیخواهانه و جنبش

رویاهای آمریکائی حزب دمکرات و تلا برای معامله با جمهوری اسلامی



مجید حسینی

بیانیه مورخه ۱۹ آوریل ۲۰۰۳

نهیین پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان

ایران در رابطه با جنگ آمریکا در عراق و پیامدهای آن، به داستان آن سریاز ژانپی

که حلوود بیست و چند سالی بعد از پایان جنگ دم جهانی

بی خبر از دنیا، هنوز خود را در عالم جنگ با دیگران می

دید، شباhtهایی دارد. اگر آن سریار فردی تنها، بی خبر و

سر گردان در جنگل بود،

حزب دمکرات، حزبی سیاسی

است، مثل من و شما از رویدادها مطلع بود، در

منطقه اردوگاه داشت و از

نزدیک نظاره گر جنگی بود

که بر چهره سیاسی دنیا اثر گذاشت. رهبران این حزب از

پنجره مقرهایشان شاهد پیاده شدن نیروهای آمریکایی و

ستونهای نظامی آنها بودند،

شب و روز غرش هوایپامهای

جنگی و صدای بمیاران و

افجار موشکهایی که مردم

را در شهرهای عراق تکه و

پاره می کرد، می شنیدند.

اما چرا تا پایان این جنگ و

سقوط صدام، ساكت ماند و

توانست موضعی اتخاذ کند؟

کدام مشکلات و چه مصلحت

هایی مانع شد که این حزب



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت

ایسکرا

سردیز: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

تلوزیون انترباسیونال

روزهای یکشنبه ساعت ۵ و نیم بعدازظهر و جمعه ساعت ۵ و نیم شب بوقت تبران از شبکه تلویزیونی کanal یک پخش میشود
آدرس قماس: تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۵۹۰۲۲۳۷ فاکس: ۰۰۱۵۰۳۲۱۲۱۷۳۳ ای مبل: wpi_tv@yahoo.com سایت اینترنت: www.rowzane.com مدیرمسئول: آذرمدرسی



صاحبه با
خالد حاج محمدی
در باره مراسم
اول ماه مه
صفحه ۴

مزدوران رژیم
مصطفی ابسالان
را در مهاباد
به قتل رساندند
صفحه ۴

سخنرانی افتتاحیه رحمان حسین زاده در نشست سوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان

نشستی که در شروع برگزاری آن هستیم، نشست مهمنی است و یا بهتر بگوییم میتواند واقعه مهمنی باشد. این را فردا بعد از اظهار و تشکیلات کردستان حضور به هم رسانیم. ضمناً من از نظر من بیان این فضایت کنیم. از نظر من بیان این موضوع تکرار یک رسم معمول در چنین نشستها و جلساتی نیست. هر چند در بیشتر موارد و در شرایط نرمال هم چنین نشستهای بزرگ، کنگرهها و پلنومها و سمینارها و برای اعزام اصلی و جلدی دخالتگر در سیاست اعم از کارگری یا بورژوازی، کمونیستی یا غیر کمونیستی از جدیت بالایی برخوردار است. این نشستها برای این جنبشها کادرهای حزب که در شهرهای کردستان مشغول فعالیتند، برگزار میکنیم. این مسئله به دلیل استبداد و اختناق جمهوری اسلامی و رعایت موازنین فعالیت مخفی بر ما تحمیل شده است. امیدوارم به زودی چنین نشستی را با حضور آنها و طبیعی است در جغرافیای دیگری برگزار کنیم.

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رویاهای آمریکائی حزب دمکرات...

کنترل مردم در کردستان و برای پیشگیری از بکار گیری حزب دمکرات توسط آمریکا، به این حزب نیاز دارد. رهبران این حزب با درک این موقعیت جمهوری اسلامی، حضور آمریکا در منطقه، و رسپریدگی خود را نشان آن می‌دهند، تا نرخ خود را در نزد این رژیم بالا ببرند. بنابراین شایعه مذکوره ای که اخیراً بین حزب دمکرات و رژیم برآ افتاده است، بیشتر از هر وقت دیگری جای می‌باشد. تنها سیاستی که این حزب در طول جیات رژیم بدنان پایسید بوده، تقلای آن برای ایجاد رابطه و بند و بست با جمهوری اسلامی است. بیاننامه را طوری تنظیم کرده اند که ضمن زیست در شکاف مابین آمریکا و ایران و ترکیه، دل همه و از جمله احزاب ناسیونالیست کرد در عراق را هم به جا آورده باشند.

دموکراسی

شاید این یادآوری به جا باشد و خیالهای بودن حزب دمکرات و یا هر جریان دیگر بورژوازی در کمپ شوروی و سویل دمکراسی اروپا یا آمریکا، مساوی تحويل گرفتن، وابسته بودن و حتی پذیرفتن سرپرده‌گی این جریانات از طرف این قطب‌ها نیست، این مسئله بستگی دارد به درجه به بازی گرفتن این جریانات از طرف این دولت‌ها. نکته مهم آن است که اقتصاد و سیاست جهانی سرمایه مسلط بر جهان، مایه ازا خود را حول قطب‌های بزرگ در هر دوره، داشما وجود می‌آورد و چگونگی پیدایش اولیه هر حزب و سازمانی تغییری در این ایجاد نمی‌کند. و نکته مهم تر آن است که با درک این روندها می‌توان سیاست متناظر و تغییراتی که در هر دوره ای این جریانات از سر میگذرانند،

تری در تقابل با خوب و خیالهای این حزب می‌باشد. نیروهای ناسیونالیست کرد و حزب دمکرات، در هیچ دوره ای از تاریخ سیاسی خود به اندازه این دوره بی‌پروا در خدمت آمریکا قرار نگرفته‌اند. وجود جنبش ضد جنگ در دوره جنگ و دادمه مقابله با سیاستهای نظم یونینی آمریکا در جهان، فشار بیگری است بر این حزب. با تتخاذ رسمی این موضوع در بیانیه پلنوم نهم کمیته مرکزی حزب دمکرات، سیاست آمریکایی گری کل جنبش ناسیونالیسم کرد در منطقه تکمیل شد. در جنگ عراق برای کشتار مردم غیر کرد شانه بالا اندختند، شادی کردند و سیاست قومی اسرائیلی کشتار بیگران را به خاطر «ملت» خود پیشه کردند.

حزب دمکرات و

نضاؤت جمهوری اسلام

یکی از قطب های بزرگ وصل
کنند. کل نیووهای ناسیونالیست
کرد به طرف آمریکا و در جهت
انطباق با نظام نوین آن قرار دارد.
در طول تاریخ ناسیونالیسم کرد در
نتیجه تحولات جهانی و کشمکش
میان قطب های مختلف، سرمایه
رشد و یا افول کرده است و
مسائل و تحولات محلی و منطقه
ای در این باره کمترین نقش را
داشته اند. در حقیقت موقعیت
ناسیونالیسم کرد بستگی به میزان
استفاده قدرت های بزرگ دنیا از
آن دارد و "جهانی شدن مستنه
کرد"، که انگار به افتخارات جدید
ستفاده از تحولات عراق برای
نزدیکی به جمهوری اسلامی و
کفرن امتیاز از آن است. در
دامه تعريف و تمجید از سیاست
آمریکا در منطقه که گویا می
تواند صدھا میلیون نفر را به
خود جلب کند، می نویسد "در
چینی صورتی اهمیتی ندارد...
جمهوری اسلامی چگونه قضایات
می کند". اینجا منظور قضایات
جمهوری اسلامی نسبت به ح- د
ست و از طریق اعلام علنی
نزدیکی به آمریکا و یاد آوری
سماجراهی عراق، میخواهد از رژیم
انتظامی گیران طلاق

وقتیکه در بیانامه می گوید: «...که نه عراق تنها کشور کرد و نشین است و نه آزادی و دمکراسی تنها در عراق زیر پا نهاده شده»، و یا "شعاری که آمریکا با آن به جنگ علیه عراق آمد"، "دفاع از آزادی و دمکراسی و مبارزه علیه تروریزم"، قابل پشتیبانی قسم بیشتر اپوزیسیون عراق و آزادیخواهان کشورهای دیکتاتور زده دیگر هست."، دیگر احتیاجی به تفسیر و توضیح ظرفیت این حزب و آمادگی آن برای خدمتگزاری به سیاستهای پشتاگون آمریکای مدافعان "آزادی" و بیازی گرفتن سرنوشت مردم به خاطر بردن سهمی از زورگویی، علیه مردم نیست. رهبران این حزب در آرزی رسیدن به موقعیت احزاب ناسیونالیست عراق شب را به روز می رسانند.

اگر آمریکا همچنان حزب دمکرات را برای مقاصد خود به بازی نگیرد، این سیاست رهبری آن به حکم شرایط جهانی و منطقه و روندی که نیروهای ناسیونالیست کرد در پیش گرفته اند، در تبلیغ، در رابطه این حزب با مردم و نیروهای سیاسی و در روابط درونی آن ب تاثیر متوحد بود. در صورتیکه امکان داشته باشد، این حزب سر راست تر از گذشته ماهیت ضد کمونیستی خود را نشان می دهد و با شدت بیشتری حقوق و منافع مردم را زیر پا می کنار. اما در این مسیر موانع سیاسی و اجتماعی بسیار جدی بر سر راه حزب دمکرات هست، که توانایی منزوی کردن این حزب و خنثی کردن سیاستهای آن را دارد.

مردم در کردستان ایران شناسی آورده اند که برای حزب دمکرات به یک بد شایسی بزرگ تبدیل شده است. مردم ایران، نتیجه دخالت آمریکا در عراق و کردستان آن را دیده و تجربه کرده اند، نظاره گر عاقب محاصره اقتصادی، کوچهای دسته جمعی مردم، تاخت و تاز ارتش های ترکیه، ایران و عراق در کردستان عراق، مهاجرت صدهزار نفر از مردم، فقر و گرانی، بی دارویی و مرگ و میر کوکان و در نهایت حمله اخیر آمریکا به عراق و ویران کردن زیر ساخت این مملکت و اشغال آن بوده و هنوز هم معلوم نیست این داستان سر از کجا در می آورد. این تجربه امکان سواستفاده حزب دمکرات

شنا گویان همیشگی این حزب می کویند. بلکه در روابطه سنتی این حزب با رژیم عراق، در تقاضای تطبیق دادن زیست سیاسی این حزب در شکافهای منطقه ای در شرایط جدید، در رسیت دادن به جهت هایی است که سالها است در رابطه با آمریکا در پیش گرفته اند و بالآخره در فایق آمند رهبری حزب بر معترضین درونی خود و در نهایت تکیه رهبری بر پلنوم اخیر نهفته است.

سرسپردگی به آمریکا

یک خاصیت صدور بیاننامه رسمی، علني کردن انتقال امید حزب دمکرات از سوسیال دمکراتی اروپا به آمریکا است. این سیاستی است که سالها قبل از جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ در پیش گرفتند، ساخته آن بر می گردد به دوران جنگ سرد و سقوط بلوک شرق و این مسئله در بطن تمایل عمومی نیروهای ناسیونالیست کرد به آمریکا قابل درک است. قبل این حزب به اردوگاه شوروی گرایش داشت، از کنگره چهار آن در سال ۱۳۵۸ تا کنگره ششم در سال ۱۳۶۲ طول کشید تا رهبری آن بر مشکلات درونی خود فاتق آمد و از کمپ شوروی به سوی سوسیال دمکراتی اروپا متتمایل شد. اما این پروسه در

کمترین فایده این پز، قیافه حق به
جانب گرفتن رهبری حزب دمکرات،
پوشاندن سکوت این حزب در آن
دوره پرتلاطم و سرنوشت ساز
تاریخی و کل آن مشکلات سیاسی
و تشکیلاتی است که با آن دست
بگشتنند. رهبران حزب دمکرات
با تماش این پز از خود، در درجه
اول در رابطه با صفوں درونی
تشکیلاتشان و برای توجیه و
پیشبرد سیاستهای اعلام شده و
تحقیق مردم نیاز دارند. سکوت یا
اعلام نظر حزب دمکرات عنوان
جزیانی ناسیونالیست و بورژوازی
در رابطه با جنگ در عراق در این
دوره که تمام جریانات ناسیونالیست
کرد در محضر آمریکا صفت
اند، از پیش معلوم است و اهمیت
چندانی ندارد. نکته مهم در این
میان نشان دادن و بررسی آن
عوامل مشخص است که این
سکوت را به خوبی تحمیل نمود
که عادت به تعریف و تمجید از
خود و پزrk نمایی دارد. سکوت
این حزب و بیانیه پلنوم آن نشان
می دهد که دوره جنگ در عراق،
دوره ای سخت سیاسی برای رهبری
حزب دمکرات کردستان ایران بوده
است. این سختی نه به خاطر اتخاذ
سیاستهای «جدید» و یا «چرخش»
این حزب به طرف آمریکا،
آنطوریکه جریانات چپ سنتی و

مستقیماً سهیم شوند، در مقابل صفت ارتजاع، صفت کمونیسم را با برجستگی شنан دهند. همین مبنای تشکیل شورای کادرهای تشکیلات کردستان شد. اما نه تنها شورای کردستان شد. اما نه تنها کادرها مدعیان منصور حکمت، کادرها مدعیان منصور حکمت، فراتر از آن شکل گیری کمونیسم کارگری در منطقه، در ایران و شکل گیری یک کمونیسم اجتماعی در جامعه کردستان تمام مدعیان اندیشه و سیاست و عمل منصور حکمت است. اگر منصور حکمت نبود، ما اینجا نبودیم. میدانم قبل از منصور حکمت چهارگایی در ایران و در جامعه کردستان وجود داشت، میدانم از مارکس و لینین گفته میشد و کتابهای جلد سفید متعلق به مارکس و لینین پخش میشد. همان کتابها را دستمن میدادند، در خدمت "امر ملی"، همان کتابها را تفسیر میکردند در خدمت "صنعتی" کردنش کشور، همان کتابها مطالعه میشد و بورژوازی ملی و مترقی استنتاج



تشکیلات کردستان و در غیاب خود وی همین نشست سوم مدیون اوست. آن‌زمان که کمیته ۲۳ نفره‌ای بودیم، مدداما از جانب رفاقتی که در همین نشست حضور دارند با تقاضای عضویت در کمیته کردستان روپر بودیم، مکانیزم تعريف شده‌ای برای افزایش اعضای کمیته و یا انتخاب کمیته و تغییراتی در آن ندادشیم. موضوع را با منصور حکمت طرح کردیم، طبق معقول راه حل راه گشا و ساده‌ای را مطرح کرد. گفت "مسئله تنها اضافه کردن و کم کردن چند نفر به کمیته کردستان نیست، بلکه کمونیسم کارگری سرمایه انسانی بزرگی در جامعه کردستان دارد، لازمس است ظرفی را تعریف کنیم که هر چند وقت یکبار طیف وسیع شخصیتها و کادرهای کمونیست آن جامعه به دورهم جمع شوند، بحث و تبادل نظر داشته باشند، اتحاد و انسجام خود را حفظ کنند، تصمیم بگیرند و در پیشبرد کمونیسم کارگری در کردستان

خودش است که اگر عزم و اراده و آگاهی و برنامه دقیق ما ناظر به آن و همراه آن باشد میتواند ورق را برگرداند. صحنه سیاست تنها میدان یکتازی ارتজاع نیست. جنبش آزادیخواهانه قوی در منطقه در مقابل این صفت ارتজاعی، کمونیسم کارگری قوی وجود دارد. استنبط من از سیاست و تصمیم حزب کمونیست کارگری ایران اینست که عراقیزه کردن جامعه ایران منمنع است. یا تکرار سناریوی درد و رنج آور ۱۲ سال گذشته کردستان عراق در کردستان ایران منمنع است. این را باید این نشست اعلام کند. مباحثی که در دستور گذاشتیم به این موضوعات میپردازند، اجازه بدیده به بررسی این موضوعات پردازم و خوشبینم که نتایج خوبی را استنتاج کنیم. نیخواهم بیشتر از این وقتنان را بگیرم.

اما نمیتوانم سخنام را به پایان برسانم و از عزیزی یاد نکنم که وجود نهاد شورای کادرهای ناسیونالیستی و منهنجی و مذهبی که از سنگرینی انقلابی در مقابل این اوضاع سیاهی باشد که میخواهند آن را در منطقه گسترش دهند. درست است در نتیجه تصمیم سردسته گانگسترها آمریکا ارتজاع دولتی و غیر دولتی در منطقه اهرمهایی برای پیشبرد سیاستهایان به دست آورده‌اند، اما جنبش و صفت ما هم دارای اهرمهایی و نقاط قدرت خاص و دولتهایی که هستند و ارتजاع

سخنرانی افتتاحیه ۰۰۰ (از صفحه اول)

کمیته کردستان و اسد نوینیان به عنوان خزانه دار و هیئت اجرایی ۱۵ نفره مشتمل از: ۱- محمد آسنگران ۲- مجید حسینی ۳- خالد حاج محمدی ۴- رحمان حسین زاده ۵- عبدالله دارابی ۶- صالح سرداری ۷- فاتح شیخ ۸- هلاله طاهری ۹- ایرج فرزاد ۱۰- محمد فتاحی ۱۱- محمد فضلی ۱۲- گلابیز قادری ۱۳- حسین مرادی‌بیگی ۱۴- مظفر محمدی ۱۵- اسد نوینیان انتخاب شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۲
۲۰۰۳ مه ۱۳

فتاحی ۲۳- محمد فضلی ۲۴- گلابیز قادری ۲۵- سعید قادریان ۲۶- سلیمان قاسیانی ۲۷- عمر کریمی ۲۸- یدی کریمی ۲۹- اسد گلچینی ۳۰- حسین مرادی‌بیگی ۳۱- مظفر محمدی ۳۲- سارا محمد ۳۳- بهرام مدرسی ۳۴- محمد محمدی ۳۵- اسد نوینیان ۳۶- نسان نوینیان ۳۷- داریوش نیکنام ۳۸- اسماعیل ویسی سومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری با سخنان پایانی رحمان حسین زاده و در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان یافت. به دنبال این نشست، کمیته کردستان تازه انتخاب شده بالاصله جلسه کوتاهی برگزار کرد و رحمان حسین زاده را به عنوان دبیر

سوم شورای کادرها در فضایی فعل و زنده به موضوعات سیاسی در دستور پرداخت. کادرها ۳۸ نفر را برای عضویت در کمیته کردستان انتخاب نمود که عبارتند از: ۱- محمد آسنگران ۲- صلاح ایراندوست ۳- جلال برخوردار ۴- پرشنگ بهرامی ۵- مجید حسینی ۶- خالد حاج محمدی ۷- رحمان حسین زاده ۸- اسد جیری ۹- حامد خاکی ۱۰- عبدالله دارابی ۱۱- محمد راستی ۱۲- سیوان رضایی ۱۳- نسرین رمضانعلی ۱۴- سلام زیجی ۱۵- صالح سرداری ۱۶- فاتح شیخ ۱۷- عبدالله شریفی ۱۸- هلاله طاهری ۱۹- خالد علی پناه ۲۰- غفار غلام ویسی ۲۱- ایرج فرزاد ۲۲- محمد

و در راس آنها آمریکا جور در نمی آید، و در سطح محلی هم با قافله ناسیونالیسم کرد و بالا رفتن غلط قومی و فاشیستی آن همراهی‌گر ندارد و دیگر برایشان دست و پاگیر شده است. نیروهای ناسیونالیست کرد راست تر و ارتজاعی تر از آنند که تحمل درآوردن ادای سوسیال دمکراسی را داشته باشند. این دیگر مزاحم کارشان است.

۱۳ مه ۲۰۰۳ *

سوسیالیسم») بحث کوتاهی در پاره سوسیالیسم را مثال می‌آورند. حتی در دوره ای ناسیونالیست نامیدن آنها رنچشان میداد و عنوان "آتهامی" به خود به حساب می‌آورند. حالا مسئله درست بر عکس شده است، به ضد کمونیسم بودن و ناسیونالیسم خود افتخار می‌کنند، توخش نظم نوین چهانی آمریکایی را بنام «آزادی» در بوق و کرنا کرده اند. اکنون سوسیال دمکراسی اروپایی با فضای راست سه ر

و فعالیتهای ارزنده تشکیلات کردستان به ما یادآوری میکند، بلکه این را شرایط حساس دنیا میرون ما و حتی خارج از اراده ما دشمنان ما به وجود آورده‌اند. تحولات جهانی، منطقی و واقعی که در کشورهایی چون عراق و ایران اتفاق افتاده و میافتد، این حسابت اوضاع را به ما گوشزد میکند. به همین مورد آخر جنگ آمریکا در عراق اشاره کنیم، بورژوازی جهانی و در راس آن آمریکا در پی تثیت نظم نوین جهانی، در پی اهداف و مقاصد جنایتکارانه، جنگی را تحریم کرد و زندگی و حیات میلیونها انسان را به بازی گرفت و سناریوی سیاهی را در مقابل جامعه قرار داده است. این جنگ و تعریضی به بشیریت و انسانیت است. یک صفت‌بندی ارتজاعی مشکل از ارتজاع بین‌المللی، ارتজاع منطقی و دولتهایی که هستند و ارتجاع

سومین نشست وسیع شورای کادرها ۰۰۰

دستور جلسه بعدی بررسی "جنگ آمریکا و موقعیت ناسیونالیسم کرد در منطقه" بود. فاتح شیخ در این مبحث عمل پیوستن ناسیونالیسم کرد از مقطع جنگ خلیج ۱۹۹۱ را به کمپ آمریکا و تبدیل شن آنها به پیاده نظام آمریکا در جنگ اخیر را بررسی کرد. در این مبحث تأکید شد که ناسیونالیسم کرد شریک جم و جنایت آمریکا شده و ایجاب میکند طی کپین سیاسی و عملی کستره این جنبش را منزوی و به حاشیه راند. آینده تشکیلات کردستان باشد. حسین مرادی‌بیگی ضمن تأکید بر استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی در ایران به این موضوع

۴ رویاهای آمریکائی حزب دمکرات

ناسیونالیستهای کرد اضافه شده است، مختص این دوران نیست و قدیمی است. برای نمونه قاضی رسید و تحرک ناسیونالیسم کرد در منطقه آغاز کشت، و سرانجام و سرنوشتی که پ ک ک در ترکیه هم پیمان آمریکا و عضو ناتو پیدا کرد، در این چهار چوب قابل درک و توضیح است. حزب دمکرات حزبی بورژوازی است، از دوره تمايل به شوروی، بعد به سوسیال دمکراسی اروپا

مرگ بر جمهوری اسلامی!

مصطفی‌الدین حاج محمدی در باره مراسم امسال اول ماه مه در شهرهای کردستان

توصیه‌های شما در این رابطه چیست؟

خالد حاج محمدی: کارگران پیشو و فعالین کمونیست همیشه و خصوصاً در شرایط کنونی میتوانند نقش کلیدی ایفا کنند. وصل کردن بخشش‌های مختلف کارگران در یک شهر و ایجاد ارتباط مستمر میان آنها و تلاش برای ایجاد صفحی واحد در مقابل دولت و سرمایه‌داران اساساً از کاتال ولصل شدن و ارتباط مبارزاتی این رفقا ممکن است. ایجاد ارتباط میان شهرهای مختلف که یک مرود آن را در همین ماه مه شاهد بودیم، اساساً از کاتال آنها پیش خواهد رفت. من فکر میکنم باید سعی کرد چهارچوبهای صنفی و محلی را درهم شکست و تلاش کرد بخشش‌های مختلف را به هم وصل کرد. باید تلاش کرد تا تشکلهای کارگری در هر بخش ایجاد شوند. در عین حال یک پایه اصلی این کارها در گرو دخالت‌دادن خود کارگران در تصمیمات و اقداماتی است که صورت خواهد گرفت و این کار بدون سازمان‌دادن مجتمع عمومی کارگران مقتول نیست. اکنون مبارزات و اعتراضات بخشش‌های مختلف مردم در میدانهای مختلف، برای نمونه اعتراضات جوانان، زنان، معلمین، دانشجویان و... در جریان است. دفاع از این مبارزات و تلاش برای جلب پشتیبانی این بخشها و کل مردم مخالف رژیم از مبارزات کارگران امری حیاتی است و قبل از هر کس وظیفه‌ای برودوش فعالین کمونیست است. مرود دفاع کارگران در شهرهایی که اسپرید از مبارزات کارگران بهشهر یک مرود جالب و مهم بود. نکته دیگر افشا و طرد خانه کارگر و شوراهای اسلامی به عنوان حامیان سیاستهای رژیم در جنبش کارگری است. اکنون که جمهوری اسلامی در شراسیب سقوط است، تعجیل در رفع این مشکلات اصرار، حاتمه است.

تمام فشارهای رژیم هوشیارانه عمل کردند و در مقابل هر تاکتیک و حرکت رژیم تلاش کردند حرکت آلتنتایو خود را داشته باشد. تمام ارعابی که رژیم به کار بست توانست مانع برگزاری مراسم‌های اول مه شود و این سطحی از کاردانی و رشد طیفی از این رفقا را میرساند. اما با تمام اینها اول مه امسال میتوانست و مقدور بود که دامنه آن سپیار فراتر برود. نکته و اشکال جدی یا شاید بهتر باشد بگوییمشکل اصلی که جبهه کارگران و مردم را در مقابل رژیم ضعیف میکرد، فقدان تشکلهای کارگری از شوراهای کارگری گرفته تا اتحادیه و ... بود. این مشکل مقداری تاریخی‌تر از آن است که به این مقطع معین مربوط باشد. این مشکل ریشه در سلطه حکومتهاي دیکتاتوری و اختناق ضد کارگری از رژیمهای قبلی گرفته تا جمهوری اسلامی دارد که هر نوع تشکل غیر دولتی و هر نوع سازمانیابی کارگری ممنوع بوده است. در عین حال در بخششی‌چون کارگران خباز نیز که در حال حاضر صاحب تشکل خود هستند متساقنه هنوز به دلایل مختلف از خبازیها فراتر نرفته است. هنوز ارتباطات کارگران در مقیاسی کم بخشش‌های مختلف را به هم وصل کرده است. وجود سندیکاکارگران خباز این امکان را ایجاد کرده که این بخش از کارگران در شهرهای مختلف به هم وصل شوند و این دستاوردهای خوبی است، اما وسعت دادن به این امر و در برگرفتن بخشش‌های دیگر کارگران امری حیاتی است. البته امسال قطعنامه و بیانیه مشترک کارگران به تصویب تعیادی از مراکز کارگری رسید، اما این هنوز یک شروع است.

اسکرو: بنظر شما کارگران و بویشه فعالین کمونیست چه وظایفی داشتند

۱- جه شعاعها و مداععه

از اطلاعیه کمیته کردستان صادر شده در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۲ مژدوران رژیم مصطفی اسلام را در مهاباد به قتل رساندند
از زیکشنه ۲۱ اردیبهشت ۱۱ (م) مژدوران جمهوری اسلامی در ساعت ۱۱ صبح در نزدیک
روستای "کهربیزه‌شیخه" در حومه مهاباد، تعدادی کاروانچی را به رگبار می‌بینند. در نتیجه
براندازی آنان یکی از کاروانچیها به نام مصطفی اسلامان کشته می‌شود. بدنبال این ماجرا
مامورین رژیم از ترس خالت مردم روستا رژیم فوری محل را ترک و به طرف مهاباد فرار می‌کنند.
اعدادی از کاروانچیها به کمک تعدادی از مردم، مژدوران رژیم را تا شهر مهاباد دنبال می‌کنند.
خبر رسیده مردم معتبر در محله فرهنگیان مهاباد با مامورین رژیم درگیر و چند نفر
مژدوران رژیم رخی می‌شوند.
از زیکشنه ۲۲ اردیبهشت بیش از ۲۵۰ نفر از مردم مهاباد در اعتراض به این جنایت نیروهای
جمهوری در مقابل بیمارستان شهر که جنازه مصطفی در سردخانه آن نگهداری می‌شد، دست به
جمع اعتراضی می‌زنند. مامورین مستقر در محل تا رسیدن نیروهای کمکی جرات هیچ
کس‌العملی نداشتند. این تجمع بعد از مدتی پایان می‌یابد.
لیلرغم مخالفت و ممانعت نیروهای رژیم در مهاباد مردم دسته دسته به خانه مصطفی اسلام
نکته و در مراسم یادبود او شرکت می‌کنند. □

ضد سرمایه‌داری آن بود. کارگران در قطعه‌های و بیانیه و سخنرانی‌هایشان به روشنی اعلام کردند که سرمایه‌داری راه حل آنان نیست و باید برانداخته شود. دفاع از برابری انسانها و خواست جامعه‌ای انسانی و برابر و دفاع از آزادی‌های سیاسی در قطعنامه‌ها و سخنرانی‌های مرامنه‌ای امسال بسیار شفاف و روشن بود. در عین حال یک بیوچگی دیگر، ایجاد ارتباط میان شبکه‌ای از فعالین و رهبران کارگری در شهرهای مختلف از جمله سنتنچ، کامپیاران، مریوان، سقرا، بوکان، مهاباد و بانه بود. از دل این ارتباطات و بحث‌های ارزش‌های که داشتند کمیته برگزار کننده اول مه را سازمان دادند و در عین حال قطعنامه رادیکال و خوبی را که حاوی مطالبات کارگران بود ارائه دادند. همچنین طی بیانیه‌ای قلبی آمریکا را محکوم و از حقوق مردم عراق دفاع کردند. جزئیات ناسیونالیستی را به عنوان شریک جرم آمریکا و انگلستان در جنگی ایرانی‌پاکیستی محکوم کردند. جمهوری اسلامی تلاش داشت به هر قیمتی که شده براي مرامنه‌ای خانه کارگر نیرویي جمع کند که با تحريم کارگران و مردم روپرورد. کارگران با تمام مشکلات و محدودیت‌های ایجاد شده مرامنه‌ای را برگزار کردند که بدون شک اگر محدودیت‌های تحمیل شده رژیم نبود دهها هزار نفر از مردم در آن شرکت میکردند.

ایسکووا: اگر بخواهید نراقص این حرکات را بر شمارید بر کدام نکات شهرها از تهران و کرج و کرمانشاه گرفته‌تان سنتنچ و بوکان... خصلت



ایسکرو: ویژگیهای مراسم اول ماه
مه امسال را در چه فاکتورهایی
محیی بینید؟

خالد حاج محمدی: فکر میکنم اولین فاکتوری که در این خصوص قابل تأمل است اوضاع معینی است که در آن اول ماه مه برگزار شد. امسال اول مه در شرایطی برگزار شد که بشیرت شاهد یک قتلدری سیار آشکار دولتهای آمریکا و انگلستان و یک جنگ امپریالیستی در عراق بود. هدف این جنگ پیشبرد سیاست نظم نوین در سطح جهان بود که تحت نام مبارزه با تروریسم و صدام حسین اعلام شد. در چین اوضاعی جمهوری اسلامی هم تلاش داشت از فضای جنگ به عنوان فرستی برای عقب راندن مبارزات مردم استفاده کند. در اول ماه مه در همه شهرها از تهران تا سنندج... و رژیم تلاش کرد در چنین فضایی کل امکانات خود را برای مقابله و ممانعت از هر نوع اعتراض کارگران و مردم بکار گیرد و تدابیر امنیتی لازم را نیز بکار برد. قبل از هر چیز تلاش کردند به همانه مرگ محمد دهم

۰۰۰ افتتاحیه سخنرانی

وجود داشته باشد. اگر بر این عقیدهایم که نیروی فعاله انسانی میتواند تغییر ایجاد کند و اگر باورداریم که شخصیت‌های بزرگ تغییر دهنده و تاریخ سازنده. بدون تردید منصور حکمت چهره شاخص سازنده تاریخ عصر خود و جنبش کمونیسم کارگری پایان قرن بیست است. اجازه بدهید به پاس خدمات فکری و سیاسی و پراتیکی این شخصیت بر جسته دوران معاصر و این شخصیت و رفیق صمیمی و دوست داشتنی، سبد گلی را به پای تصویر منصور حکمت تقدیم کیم.

* * *